



استاد صباح

گنجینه باختر کجاست؟؟؟

(پژوهشی پیرامون گنجینه تابناک باختر - استاد صباح)



مدهاست که ازسرنوشت گنجینه طلایی باختراطلاعی دقیقی در دست نیست. بخاطربی اطلاعی ازاین گنجینه بی نذیر تاریخ که سروصدا بلند و رسانه های اجتماعی وچهره های ملی - حکومت خود کامه ، مستبد ، چپاولگر، دزد ، اجیرومزدورارگ را مجبورساختند که چند پارچه این گنجینه را به نمایش بگذارد واین نمایش خود باعث تنشهای فراوانی شد. عده گفتند که باقی آثارتاریخی کجاست؟ وخیلی ها ازنمایش تقلبی وساختگی آثارگفتند، اما مانند باقی عملکرد لجوجانه واحمقانه زمامداران ارگ هیچ زمانی سوال های مردم وپیشنهادات سازنده جواب دریافت نمی کند. مادرین تنشها وکش وگیرها خواستیم ازسرگذشت گذشته گنجینه معلوماتی را جمع آوری وپژوهش نموده رسانه ی بسازیم .

گنجینه‌ی که شکوه تاریخ بشریت است



در طول تاریخ جواهرات، سکه‌ها، تاج‌ها و اشیای قیمتی بسیاری در دل خاک فرو رفته‌اند، برخی از آنها کشف شده و در فهرست گرانقیمت‌ترین آثار قرار گرفته‌اند و بعضی دیگر هنوز کشف نشده‌اند، و روزی فردی آنها را پیدا خواهد کرد و بر شگفتی‌های بی‌پایان تاریخ خواهد افزود. این گنج در سال 1978 میلادی یافت شد و قیمت ندارد و بسیار با ارزش است. گنج باختر حاوی 20 هزار قطعه از جواهرات و آرایه‌های طلا می‌باشد و به یک قرن پیش و پس از میلاد بازمی‌گردد. گنج باختر حاوی آثاری از چین، یونان و هند است، جواهرات دقیق و ریزه‌کاری شده‌ای که در اغلب موزیم‌های جهان به نمایش گذاشته شده‌اند. «طلاتیپ» نام یک پایگاه باستانی در نزدیکی شهر «شبرغان» در شمال کشور است. در تحقیقاتی که در محل این حفاریات صورت گرفته، واضح بود که طلاتیپ مربوط به اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن می‌باشد. همچنین شواهد به اثبات رسیده، حاکی از آن بود که شکل ساختمان این ناحیه طبقه تالاری طلاتیپ هم‌زمان با دوران هخامنشی می‌باشد. به‌طور عموم و به منظور شناخت بهتر پلان ساختمانی و دوره‌های تاریخی طلاتیپ در سال 1987 م حفاریات اساسی صورت گرفت و در نتیجه دانسته شد که قسمت وسطی طلاتیپ را قلعه مستطیل شکلی احاطه کرده که سمت افتادگی آن از شمال به جنوب می‌باشد.

در 4 کنج قلعه و در وسط آن دیوارها و برج‌های مدور و در وسط دیوار شمالی دروازه بزرگی قرار دارد که هنوز حفاریات در مورد آن تکمیل نگردیده است و از آغاز احداث این قلعه تا آخرین مرحله، هیأت تحقیقاتی 3 مرحله ساختمانی را مشخص کرده‌اند که به ترتیب طلاتیپ یک، طلاتیپ 2 و طلاتیپ 3 نام‌گذاری شده‌اند.

گنجینه‌ی باختر سرمایه‌ی ملی و تاریخی مصون نیست



سالانه کم‌از کم ۲۰ میلیون افغانی عاید از گردش و نمایش گنجینه‌ی باختر در موزیم‌های جهان، به‌خزانه‌ی حکومت می‌آید. مسوولان موزیم ملی به‌دلیل نبود مکان امن و مصوون برای نگهداری گنجینه‌ی باختر در داخل کشور، برادامه‌ی نمایش این گنجینه در بیرون از کشور تأکید داشته و خبر می‌دهند که در ۱۳ سال گذشته بیش از ده میلیون نفر در ۲۱ موزیم جهان از داشته‌های این گنجینه دیدن کرده و این نمایشگاه‌ها بیش‌تر از ۲۵۶ میلیون و ۲۸۰ هزار افغانی به‌خزانه‌ی دولت، عاید کرده‌است. در این مدت، شهروندان کشورهای فرانسه، ایتالیا، آمریکا، کانادا، هالند، آلمان، انگلستان، سویدن، ناروی، جاپان، کوریا، چین و استرالیا، بیش‌تر از ۲۳۰ اثر گنجینه‌ی باختر را از نزدیک دیدن کرده و از فرهنگ باستان سرزمین ما، آگاهی یافته‌اند. گنجینه‌ی باختر از داشته‌های تاریخی و فرهنگی دوره‌های کهن (یونان باختر) است. از مناطق مختلف کشور (طلاتیپ، آی‌خانم، بگرام، تپه‌ی فلول و تپه‌ی زرگران بلخ) گردآوری شده و تنها نیمی از اثرهای این گنجینه، مربوط به طلاتیپ‌ی شبرغان است.

طلاتیپ نام یک پای‌گاه باستانی در شهر شبرغان مرکز ولایت جوزجان است که شاهان و زمامداران زیادی در نتیجه‌ی کاوش‌گری‌های دوره‌های گذشته، موفق به‌کشف آن نشده بودند؛ تا این‌که در سال ۱۹۷۸ م. از سوی گروه مشترک باستان

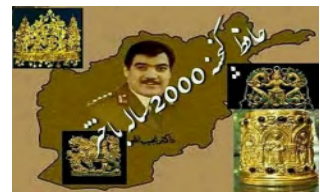
شناسان افغانی و روسی کشف شد. اثرهای به دست آمده از این مکان باستانی، شامل زیورها، گردنبندهای تزیین شده، چاقوهای طلایی، ابزار جنگی، سکه های طلا، تاج طلا، لباس و کمر بند است که در موزیم ملی نگهداری می شود.

گنجینه بزرگ ملی در زمان حاکمیت (ح د خ ۱) چگونه نگهداری شد؟



گنجینه بزرگ ملی در اوایل سال حکومت داکتر نجیب الله، به دلیل ناپاوری مسوولان موزیم از نبود مصونیت آن، به داخل بانک مرکزی منتقل شد. پیش از این گزارش های تأیید نشده از غارت گنجینه ای باختر در جنگ های داخلی دهه های هفتاد خورشیدی و امارت طالبان نیز در رسانه ها و شبکه های اجتماعی منتشر شده؛ اما پس از فروپاشی نظام طالبانی، حامد کرزی در سال ۱۳۸۲ خورشیدی، این گنجینه را در حضور داشت شماری از مسولین بلندپایه دولتی از داخل بانک مرکزی بیرون آورد و از سال ۱۳۸۵ به این سو در حال گردش و نمایش کشورهای جهان قرار دارد. گردش و نمایش این گنجینه در کشورهای مختلف جهان، از یک سو نمایانگر تاریخ و فرهنگ دیرینه ای ما را به نمایش می گذارد و این روند باید ادامه یابد. هنوز هم شرایط لازم برای بازگرداندن گنجینه ای باختر در داخل کشور مهیا نیست و بهتر است که تا چندین سال دیگر هم در گردش و نمایش باشد، تا هم از خطرهای احتمالی محفوظ باشد و هم یک مقدار عواید هم به خزانه ای دولت بیافزاید. که حتی همین اکنون هم، بسیاری از اثرهای تاریخی پوشیده و سروی شده وجود دارد که به دلیل ناامنی های روزافزون، قادر به استخراج و حفاظت آن در داخل کشور نیستند.

محافظ بزرگترین گنجینه طلای جهان



خیلی از کشورهای جهان از تمام امکانات خویش استفاده نمود تا ذریعه سران بنام جهادی و طالبان این گنجینه بزرگ دنیا و هویت چند هزار ساله کشور ما را به یغما ببرد... داکتر نجیب الله شهید خوب میدانست که این گنجینه چقدر با اهمیت است برای همین بود تا از همه امکانات برای حفظ این گنجینه با ارزش کشورش استفاده کند. بیست هزار سکه و تاج طلا تاریخی و نود میلیون دالر شمش طلا را برای مردم سرزمین اش حفظ نمود... خوب میدانست اگر این گنجینه نابود شود هویت و تاریخ میهن اش هم نابود و فراموش خواهد شد. گنجینه که همین اکنون با دهها گارد ویژه و موترهای زره شهر به شهر و کشور به کشور برای معرفی تاریخ سرزمین ما به نمایش گذاشته میشود و درآمد میلیون دالری اش هم به جیب حکومت می ریزد.

گنجینه که عزت و شرف سرزمین ماست



هرم وطن با وجدان و وطن پرست با دیدن آثار باستانی از تندیسهای بودا در بامیان گرفته تا شهرهای زیر خاک رفته ای چون «ای خاتم»، «طلاتپه»، «تپه فلول» و شهر «غغله» که در عصر کوشانیها، در نهایت زیبایی و پر آوازه بوده و... نیز دیدن جای جای وطن که مملو آثار حک شده از دوره های دور بوده، با خود قصه ها و غصه های تاریخ را بیان می

کند، متوجه می شود، کشورش که امروز در زمره عقب مانده ترین کشورهای جهان هست روزگاری برقله بالندگی و تمدن قرار داشته است. با کشف شهر زیر خاک فرو رفته ی دو هزار و اندی ساله ی «آی خانم» ، یکی از حلقه های مهم مفقوده تاریخ بشر پیدا شد.

در اعماق کوهستانهای کشور، یکی از با ارزشترین گورهای شناخته شده برای بشر، یعنی گنجینه طلای باختر پس از دو هزارسال معما بودن، با سعی و تلاش باستان شناسان کشف شد. قدامت این آثار تاریخی، به دو هزارسال قبل یعنی پادشاهی باختر برمی گردد که توسط اسکندر مقدونی در سال ۳۲۷ پیش از میلاد فتح شد.

کشف این آثار باستانی با خودش معما های زیادی را حل کرد و برای باستان شناسان نشان داد که وطن ما با داشتن قدامت و پیشینه تاریخی و فرهنگی بسیار غنی، می تواند یکی از بهشت های باستان شناسی قرار گرفته و می تواند نگاه جهانیان را به کشور عوض کند و سندی گویا هست بر اینکه میهن را نباید فقط در این چند دهه اخیر نگریست بلکه این کشور را در قدامت تمدنی چند هزاره ساله اش باید جستجو کرد و هموطنان ما از بی مهری روزگار از اسب عزت به زمین افتاده است نه از اصالت تاریخی چند هزار ساله شان.

غوغای که گنجینه باختر به جهان بپا کرد؟؟؟



گنجینه ی که موجودیت آن بیش از ۲۵ سال مبهم بود و هیچ کس نمی دانست که با ارزش ترین گنجینه جهان که در سال ۱۹۷۸ میلادی توسط گروه باستان شناسی وطن - شوروی در طلا تپه شبرغان پیدا شد در کجاست؟.

در نخستین روزهای سال ۱۹۷۸ میلادی ویکتورسریانیدی، باستان شناس نامدار شوروی بالای همین تپه بالای شهر شبرغان ایستاده بود. ناگهان اندیشه ی دراو پدید آمد و همین فکر سبب شد که بزرگ ترین گنجینه جهان پس از ۲۰۰۰ سال ابهام پیدا شود. در جریان این ۲۰۰۰ سال بسیاری از جهان گشایان و شاهان و حتی بسیاری از ماجرا جویان به دنبال این گنج در این بخش جهان می گشتند.

اما هیچ کس نمی دانست که گنجینه بزرگ باختر که میراث حاکمیت دوران یونان باختر که پس از تصرفات اسکندر است در کجاست. بسیاری در بلخ به دنبال این گنجینه می گشتند و بسیاری هم متیقن شده بودند که وجود چنین گنجی افسانه ای بیش نیست. ویکتورسریانیدی به این نتیجه رسید که در کنار معبد ۳۰۰۰ ساله ی که در کنار تپه طلا قرار دارد باید گورهای شاهان و شاهزادگان قرار داشته باشد.

در اوایل زمستان سال ۱۹۷۸ میلادی کشور دریک حالت بحرانی قرار داشت. پس از اقدام هفت ثور و سقوط دولت محمد داوود خان در یک سال دو رهبر حکومت کشته شدند. در جای جای وطن گروه های چریکی برای مقابله با حکومت به میان آمده بودند و حکومت انقلابی از شوروی تقاضای کمک کرده بود.

افتخاری که باستان شناس روس آفرید؟



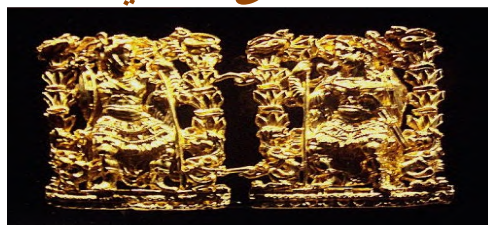
یک روز قبل از آنکه اردوی سرخ شوروی وارد کشور شود، سریانیدی توانست با یافتن یک پارچه طلا، به یافتن یکی از دو بزرگ ترین و با ارزش ترین گنجینه های طلای جهان دست یابد. در این روز سریانیدی با دیدن این پارچه طلای ناب نخستین گور را پیدا کرد. در این گور که یک تابوت سرباز که با پوست حیوانات پوشیده شده بود قرار داشت و بر فراز آن یک بام موقتی ساخته شده بود.

درداخل تابوت یک شاه بانوی پوشانی که سر تا پا با طلا مزین شده بود آرام گرفته بود. گروه مشترک باستان شناسی وطن- شوروی به رهبری سریانی‌دی که ده سال را به دنبال تپه های آبی خانوم به دنبال بقایای تمدن پوشانی به کاوش مشغول بود باورنمی کرد که به گنجینه باختر دست یافته است.

گورها یکی پس از دیگری پیدا می شدند. گروه سریانی‌دی هفت گور را پیدا کرد که در آنها شش شه بانوی ۱۵ تا ۴۵ سال و یک شاهزاده پوشانی دفن بودند. گمان می رفت که همه شاهزادگان در یک زمان مرده باشند. آنان موقع رفتن به گورهایشان تحفه های شگفت انگیز طلایی با خود داشتند. نه یکی و دو تا ، بلکه ۲۰ هزار و ۶۱۸ پارچه طلای ناب را با خود به گورهای شان برده بودند.

این آثار درشکلهای کوپیت ها یا خدایان عشق ماهیان و جانوران افسانه ای به گونه ای هنرمندانه طراحی و با سنگ های قیمتی گوهر نشانی شده بودند. اجساد زنان داخل این گورها طوری به نظر می آمدند، که هنگام مرگ خیلی تزیین شده بودند. در این قبرها صدها صفحه مختلف الشکل طلایی که بر روی لباسهای زنان مذکور به طور محکم دوخته شده بودند به دست آمدند.

این همه آثاری همتای طلای چگونه پدید آمده بود؟



بر بنیاد یافته های تاریخ، تمدن یونان باختری پس از فتح باختر توسط اسکندر مقدونی در ۳۲۷ پیش از میلاد بنا نهاده شد و رفته رفته این منطقه به یکی از مناطق تمدن خیز آن زمان مبدل شد.

پس از آن صحرا نشینان جلگه های آسیای میانه به طرف جنوب به حرکت در آمدند. آنان در قلمرو یونان باختری قدرت را به چنگ آوردند و شاهنشاهی بزرگ کوشانیان را بنیاد نهادند.

با گذشت زمان این صحرا نشینان آسوده حال شدند و با تاجرانی که از سوریه به چین سفر می کردند، مالیات بستند و با بازرگانی که از جاده مشهور ابریشم می گذشتند به تجارت پرداختند. آنان از این راه طلای زیادی اندوختند و هنر زرگری و کنده کاری طلا را رواج دادند. به این ترتیب بود که آوازه گنجهای فراوان باختر به سراسر جهان رسید. اما این گنج در بدترین زمان ممکن کشف شد.

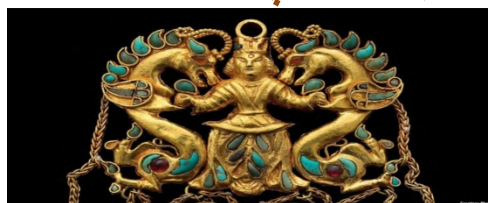
ویکتو سریانی‌دی در یک وضعیت بحرانی قرار داشت. اوضاع امنیتی هر روز بدتر می شد و آنان باید با سرعت کار می کردند. باستان شناسان هر روز به ثبت و عکس برداری آثار می پرداختند و در پایان کار آثار را در یک اتاقک لاک و مهر شده که در مراقبت جدی قرار داشت، می گذاشتند.

اما هیولای جنگ ، باستان شناسان را نگذاشت که کار شان را تمام کنند آنان درحالی که تازه گور هفتم را یافته بودند، مجبور شدند کاوشهایشان را نیمه کاره رها کنند و آثار بدست آمده را برداشته به کابل بروند.

اما هیچ کس ندانست که درگور هفتم چه بود!

پس از ترک باستان شناسان این گور با سرعت تراج شد و کاوشهای غیرفنی دیگر این منطقه را به کلی ویران کرد و به این ترتیب باستان شناسان موفق نشدند که با کاوش و جستجوی بیشتر در گورهای پیدا شده در مورد زندگی و باور های سلسله کوشانیان تحقیق کنند.

گنجینه طلا تپه و عصر کوشانی



گنجینه طلا تپه به قبایل کوشانی که هنوز زندگی بادیه نشینی داشتند و تازه از سرزمین های آن طرف سیر دریا (سیحون) وارد حوزه باختر شده بودند، تعلق دارد. این قبایل که بر مهمترین شاهراه بازرگانی جهان باستان یعنی جاده ابریشم نظارت و فرماندهی می کردند، حدود یک قرن بعد امپراطوری وسیعی را که از آسیای میانه تا هندوستان را در برمی گرفت و از لحاظ شکوه و جلال همپای امپراطوری های هان در چین و روم محسوب می شد، پایه گذاری کردند.

وقتی ما به آثار بدست آمده از طلا تپه نظر بیفکنیم شکوه و جلال کوشانیان را درک می‌کنیم، مردمانی که می‌توانسته‌اند حدود بیش از ۲۰۰۰۰ هزار قطعه آثار نفیس طلایی را همراه با اجساد اشراف زادگان شان دفن کنند بدون شک مردمانی ثروتمند، مرفه و باشکوه بوده‌اند. به باور سریانی‌های مردمان دو سوی دریای آمو در طول تاریخ دارای تمدن و فرهنگ شبیه به هم بوده‌اند و حتی از لحاظ نژادی خویشاوند به شمار می‌روند. او حدود ۹ سال در جنوب آمو دریا به حفاریات پرداخت و بسا نشانه‌ها و آثار باستانی را که مربوط به مدنیت‌های عصر برنز در باختر بود، پیدا کرد.

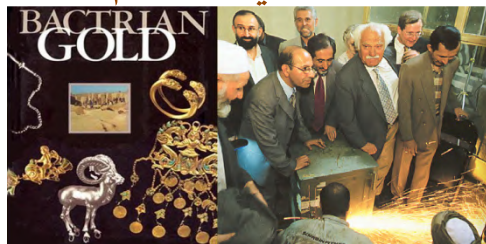
انتقال گنجینه باختر از موزیم ملی با زیرزمین بانک



گنجینه طلای باختر به موزیم کابل منتقل شد و ثبت گردید. اگرچه سریانی‌های اصرار داشت تا پایان جنگ این گنجینه به یونسکو سپرده شود و در یک کشور بیطرف نگهداری شود اما این تقاضا پذیرفته نشد و سریانی‌های به اتحاد شوروی بازگشت. در سال ۱۹۸۹ میلادی ده سال از کشف با ارزش‌ترین گنجینه جهان می‌گذشت، اما اوضاع وطن بدتر از هر زمان دیگر بود. قشون سرخ کشور را ترک کرده بود و حکومت در یک حالت متزلزل قرار داشت و هر آن ممکن بود که سقوط کند.

پس گنجینه طلای باختر را باز هم خطر بزرگی تهدید می‌کرد. اما یک فرد دور اندیش که اوضاع مملکت را بیش از هر کسی می‌دانست به فکر نجات بزرگترین ثروت کشورش و جهان افتاد. او داکتر نجیب الله رییس جمهور وقت بود. داکتر نجیب الله در یک عملیات فوق سری گنجینه طلای باختر را از موزیم کابل به خزانه بانک مرکزی برد که دروازه ای به ارگ ریاست جمهوری دارد و امن‌ترین نقطه در کشور است، انتقال داد. او هر پارچه از طلا را در میان پنبه پیچید و میان صندوق‌هایی کهنه گذاشت و در گاو صندوق بانک مرکزی و در یک زیر زمین سه طبقه ای که یک شاهکار معماری است قرار داد. این زیر زمین با پیچیده‌ترین تدابیر امنیتی توسط یک شرکت آلمانی در زمان نادر خان ساخته شده بود و گاو صندوقی دارد که توسط هفت قفل محافظت می‌شد. و برای باز کردن این گاو صندوق باید تمامی هفت کلید موجود باشد تا قفل‌ها به ترتیب باز شوند. اگر کلیدی بدون ترتیب به داخل قفلها انداخته شود، کلید داخل قفل نمی‌گردد و امکان باز شدن گاو صندوق از بین می‌رود. داکتر نجیب شخصاً صندوقها را مهر و لاک کرد و هفت کلید گاو صندوق را به هفت تن از معتمدان بانک ملی سپرد و از آنها تعهد گرفت که درب گاو صندوق را جز برای رییس جمهور یا یک رهبر قانونی وطن به روی هیچ کس دیگری نگشایند.

گنجینه طلای در رژیم طالبان



پس از آن کم کم شایعه گم شدن گنجینه باختر بالا گرفت، شماری می‌گفتند که روسها این گنجینه را با خود برده‌اند و شماری هم می‌گفتند که داکتر نجیب آنها را به روسها فروخته است. و این آوازه‌ها زمانی اوج گرفتند که حکومت داکتر نجیب سقوط کرد اما او دربار گنجینه باختر خاموشی اختیار کرد.

با شدت گرفتن جنگ‌های تنظیمی در کابل هیچ کس نمی‌دانست که بر سر گنجینه باختر چه آمده است. حتی آوازهایی از فروش این آثار در بازارهای جهانی پخش شدند و شماری می‌گفتند که این طلاها آب شده و برای خرید سلاح مصرف شده است. این آوازه‌ها جهان را و بیشتر ویکتورسریانی‌های را ناراحت می‌کرد. با پیروزی طالبان اوضاع از این هم بدتر شد. در نخستین روزهای حاکمیت طالبان داکتر نجیب که نگهبان با ارزش‌ترین گنجینه جهان بود با برادرش به

دست طالبان کشته شد و در چهار راه آریانا به دار آویخته شد. طالبان تمامی عکسها و مجسمه های باستانی را نمادی از بت پرستی دانست و تمامی تابلوها و مجسمه های هنری را که به دستشان افتاد نابود کردند. با فرو پاشیدن تندیسهای بودا در بامیان دیگر امیدی برای مخفی ماندن گنجینه باختر وجود نداشت اما طالبان چندین بار به سراغ زیر زمین بانک مرکزی رفتند و کارمندان را تهدید کردند که در گاو صندوق را باز کنند اما از هفت نفری که کلید را داشتند فقط یک نفر در بانک مانده بود و همه هفت نفر به مناطق دیگر جهان گریخته بودند. تنها کلیدی که دست این کارمند بود چون کلید اول نبود کلید بند ماند و کارمند بانک مرکزی به جرم همکاری نکردن با طالبان بیش از سه ماه را در زندان طالبان ماند. طالبان چندین بار کوشش کردند که درب گاو صندوق را باز کنند و حتی خواستند که درب را منفجر سازند اما تمام کوشش های طالبان برای انفجار درب این گاو صندوق بی نتیجه ماند.

گنجینه باختر در دوران حاکمیت حامد کرزی



سراجم در دوم می سال ۲۰۰۳ میلادی، حامد کرزی به خزانه بانک مرکزی رفتند. تصور می کردند که پشت این درها به ارزش نود میلیون دالر شمش های طلا خواهد بود و از اینکه به جز یک تن از هفت تنی که کلیدها را داشتند در کشور نبودند متخصصی از شرکت سازنده گاو صندوق از آلمان خواسته شده بود. وی هر هفت قفل را باز کرد در این میان یک تن بیشتر از همه قلبش می تپید و ویکتور سریانیدی با موهای سفید و با گذشت بیست و شش سال بسیار مضطرب بود و نمی دانست که چه چیزی خواهد دید.

اما در کنار ۹۰ میلیون دالر شمش طلا، صندوقهای فولادی با مهر داکتر نجیب الله وجود داشتند. وقتی این صندوقها گشوده می شوند، سریانیدی با حیرت می بیند که گنجینه باختر میان آنها محافظت شده است. در حالی که داکتر نجیب نگهبان اصلی این گنج دیگر زنده نیست و به دست طالبان کشته شده است. گنجی که با گنج توتانخ آمون از فرانسه مصر مقایسه می شود و نه کمتر از آن. این گنج اکنون به سراسر جهان می گردد تا پیشینه غنی فرهنگ وطن را به جهانیان بشناساند و نگاه جهانیان را نسبت به کشور دگرگون سازد.

چهره برتر تاریخ پروفیسور سریانیدی روسی



کاشف گنجینه طلایی باختر درگذشت

پروفیسور سریانیدی پس از ۹۱ سال عمر به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲ درست سی و پنج سال و چهل و یک روز پس از کشف آثار طلا به که بدون شک مهم ترین دستاورد زندگی علمی او محسوب می گردد و اهمیت منسمر به فردی برای تاریخ افغانستان دارد چشم از جهان پرشید.

کشف پروفیسور سریانیدی نه تنها برای درک تاریخ ظهور کوشانیان در باختر اهمیت دارد، بلکه در شناخت شیوه زندگی، عقاید و باورهای مذهبی آنان و سبک هنری آن زمان که تلفیقی از هنر بومی باختر، با هنر یونانی و هندی بود، نیز ارزشمند و با اهمیت است. پروفیسور سریانیدی که عضویت اکادمی علوم روسیه و انجمن انسان شناسی یونان را دارا بود، از خود حدود ۲۰ جلد کتاب و ۲۰۰ مقاله باقی گذاشته است که بیشتر آثارش در زمینه های تاریخ، فرهنگ و مدنیت های باستانی مردمان آسیای میانه و وطن ما است.

اما در کشور به جز کتاب "گنجینه باختر" که حاوی مقاله مفصلی از سریانیدی در مورد آثار طلا تپیه و تصاویری با کیفیت مرغوب از این آثار است، سایر آثار او کمتر شناخته شده است؛ در حالی که آثار او می تواند یکی از منابع مهم برای شناخت مدنیت های عصر برنز در باختر و ماورای آمو دریا و مدنیت زردشتی و حتا گریکو بودیک در کشور باشد. جایگاه ویکتور سیریانیدی در میان باستان شناسانی که در وطن ما دست به حفاریات زده اند بدون شک در کنار کسانی چون پروفیسور فوشه، هاگن، لونیس دوپیری و در سطح جهان در کنار باستان شناسی چون هاوارد کارتر کاشف مقبره توت عنخ آمون (۱۹۲۲)، فرعون سلسله هژدهم مصر باستان، قرار دارد.

پروفیسور سریانیدی پس از ۹۱ سال عمر به تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۳ درست سی و پنج سال و چهل و یک روز پس از کشف آثار طلا تپه که بدون شک مهمترین دستاورد زندگی علمی او محسوب می گردد و اهمیت منحصر به فردی برای تاریخ سرزمین ما دارد، چشم از جهان پوشید. پژوهشی که روزهای طولانی را دربرگرفت.